

جهان در آینه مرور

همچنان مشاغل بالای اداری را حفظ کرده است. بقیه از صفحه ۱۳

بوروکراسی چین نه تنها از اینکه مشکلات در دستگاه حکومت با این کتاب مطرح شده نگران گردیده است، بلکه از درجه محبوبیت آن نیز به هراس آمده است. دادگاه پس از اولین جلسه بازپرسی، فوراً به ناشر کتاب، ادبیات خلق، دستور داد که از انتشار چاپ بعدی این کتاب خودداری کند.

به همین مناسبت، صدها کشاورز در بیرون از دادگاه دست به اعتراض زده و به حمایت از نویسندگان کتاب مزبور برخاستند و اداره تبلیغات مرکزی به رسانه های دولتی دستور داد تا از انتشار اخبار مربوط به این امر خودداری کند. به خبرنگاران خارجی نیز اجازه حضور در جلسه دادگاه داده نمی شود.

چون و وو، بیش از ۳ سال صرف تحقیق در روستاها برای نوشتن این کتاب کرده اند. آنها زندگی سخت و طاقت فرسای دهقانان، پایین آمدن قیمتها، کمبود دسترسی به خدمات پایه ای، مالیاتهای سنگین، خشونت پلیس همچنین باج گیری، فساد و زندگی مرفه آنان و مامورین دولتی را شرح داده اند.

سیاستهای دولت چین، میلیونها تن از مردم فقیر روستاها را به شهر کشانده است. این اقدامات به لحاظ سیاسی، نه تنها در روستاها که بطور سنتی حمایت کنندگان رژیم بوده اند بلکه در بین طبقه کارگر که در دو دهه اخیر بطور سرسام آوری رشد نموده نیز موجب بروز خشم اجتماعی شده است.

رهبران چینی، خوش آمد گوی هیچگونه بحثی پیرامون زندگی دهقانان نیستند، زیرا ارتش انقلاب چین را همین دهقانان تشکیل داده بودند. در واقع، یکی از موضوعاتی که این کتاب به آن پرداخته بود، ارتباط مشکلات فعلی و ریشه یابی آن در حوادث دوران مائو می باشد.

آنچه که دهقانان در مراحل اولیه انقلاب ۱۹۴۹ از آن سود بردند، قربانی صنعتی گشتن شهرها شد. این حوادث، برای میلیونها دهقان قطعی و مرگ را به همراه آورد. به همین خاطر بود که در اواخر سالهای ۱۹۷۰، دنگ شیائوپنگ، راه حل بحران اقتصادی ایجاد شده در کشور را با بازکردن درهای چین به روی تبدلات بازرگانی و سرمایه های خارجی پاسخ داد. آنچه که تحت کشاورزی کلکتیو مائو کشاورزان را تا حدودی تحت حمایت قرار می داد، در دوران دنگ از بین رفت.

از سوی دیگر، جابجایی کمونهای خلق به روستایی- شهری شدن، لازمه اش ایجاد دستگاه های بوروکراتیک دولتی بود که مخارج سنگینی را به دوش دهقانان انداخت. حاصل این اقدام، چوب و چماق ماموران دولت برای جمع آوری بی پایان مالیات و وجوه دیگر بود.

دهقانان جان به لب رسیده که نمی توانستند تحت این شرایط نیازهای روزمره خود را تامین کنند، به شهرها رو آوردند و بدین صورت چین تبدیل به "کارگاه جهانی" شد. جالب توجه اینکه، اگر چه رهبران چین گهگاه از کمک به دهقانان و دادن سوسیدهای کشاورزی سخن می گویند، اما عملی گشتن آن، مشکل کمبود کارگر در کارخانه ها و اختلال در سرمایه گذاری خارجی و سود های کلان برای آنان را تشدید خواهد کرد. هم اکنون این کشور، با کمبود دو میلیون کارگر روبرو گشته است.

تعليق اجباری

لیلا جدیدی همانگونه که انتظار می رفت، رایزنان جمهوری اسلامی، ادعاهای کهنه ی خود که تاریخ مصرفشان پس از تصویب قطعنامه شورای حکام آژانس به پایان رسید را دوباره تکرار کردند. آنان تلاش کردند با حاشیه روی، اکراه جامعه بین المللی از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای را نادیده بگیرند. این امر آنچنان روشن و ناشیانه صورت گرفت که جان بولتون، معاون وزیر خارجه آمریکا را نیز اینگونه به صدا درآورد که تفسیر جمهوری اسلامی از قطعنامه شورای حکام "پرداختن به کلمات به جای مفاهیم است".

روحانی، سرگماشته جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته ای، با خشم از آمریکا به خاطر "فشار" به اعضای شورا و "گله مندی" از اروپاییهای نمک شناس و امیدواری نسبت به تاثیرگذاری اعضای عدم تعهد در اجلاس آتی شورای حکام در ماه نوامبر که رویکردی جدی تری را به آنان و گروه ۷۷، چین و روسیه را دربر می گیرد، سخن گفت. او اظهار داشت که "زمان تعلیق در اختیار ایران است" و "این تعلیق می تواند از یک روز تا یک سال طول بکشد". او افزود، "تعليق کاری داوطلبانه است" و جمهوری اسلامی در گذشته هم "نه از روی اجبار بلکه داوطلبانه" به آن تن داده است.

وقتی روحانی می گوید "به همکاری با آژانس ادامه می دهیم، حتی بصورت گسترده تر"، هیچکس به اندازه خود او و اربابانش به تاثیرات دردناک چوبی که رژیم توسط آن وادار به همکاری با آژانس شد، واقف نیست. از این روست که بحث تعليق داوطلبانه نمی تواند معنای دیگری

جز انتظار معامله بر سر خواسته های برآورده نشده رژیم داشته باشد که آنهم پاسخی جز همان تجربه ناکام گذشته نخواهد داشت. البته با این تفاوت که اینبار به جای ترکه چوب، در برابر "گرز قطعنامه شورای حکام قرار گرفته اند.

آقای فیشر، وزیر امور خارجه آلمان یادآور شد که تصویب قطعنامه پیشنهادی اروپا "علامت آشکاری از اتحاددین ما را به دولت ایران نشان داد." جان بولتن نیز تاکید کرد: "ما تا ماه نوامبر منتظر نخواهیم ایستاد و ممکن است از شورای حکام بخواهیم نشست خود را زودتر برگزار کند". جک استرا، وزیر خارجه بریتانیا گفت: "این قطعنامه نشان داد که جامعه جهانی موضعی واحد دارد و امیدوارم ایران پیام روشن و واضحی را که دارد درک کند".

درک یا عدم درک قطعنامه یا تظاهر به نپذیرفتن آن، دردی را از رژیم درمان نمی کند. آنچه مسلم است، جمهوری اسلامی ناچار است به تمامی فعالیتهای هسته ای خودخاتمه دهد. از این روست که زمان تهدید و قلدری و به مرگ گرفتن تا به تب راضی کردن به سر رسیده است.

مردم ایران و نیروهای مبارز و مترقی و صلح دوست ایران و جهان بایستی خواستار تمکین رژیم به این خواست جهانی باشند و از این امر حمایت کنند. جمهوری اسلامی با پیشبرد اهداف اتمی اش - که برخلاف ادعای رژیم هیچ ربطی به استقلال کشور و منافع مردم ایران ندارد - خواهان دارا بودن سلاحی است که بتواند با تهدید به اهداف خطرناک، استبداد مذهبی، تروریسم و رژیم جنایتکارش تداوم بخشد.

۳۰ شهریور

تضمین ایام ناخوشی

منصورامان بیابیه اتحادیه اروپایی که توسط وزیرامور خارجه هلند صادر گردید، بیانگر رویکرد سرسختانه تر این اتحادیه در برابر تلاشهای هسته ای جمهوری اسلامی است. بیابیه مزبور که بی درنگ پس از گفتگوی نخست وزیر و وزیرامور خارجه هلند با حجت الاسلام روحانی انتشار یافت، خواهان "افزایش همکاری ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی" گردید و با اشاره ضمنی به سیاست نیرنگ آمیز و پنهانکارانه ملاها، همکاری فشرده تر را برای "کسب مجدد اعتماد جامعه بین المللی" ضروری دانست.

آنچه که آقای برنارد بات به نمایندگی از سوی اتحادیه اروپا، به عنوان "افزایش همکاری" از آن نام برده است، در عمل تنها می تواند متوقف شدن پروژه های هسته ای ملاها با مصارف دوگانه را هدف گرفته باشد. در این رابطه، ارایه ی تضمینهای اعتمادپذیر از جانب جمهوری اسلامی، سنگ بنای هرتوافقی برای ادامه بررسی پرونده در آژانس و جلوگیری از بازگشت آن به شورای امنیت سازمان ملل، است.

جدی انگاشته شدن شرایط کنونی از سوی حکومت اسلامی را می توان از تعهداتی که آقای روحانی، نماینده رسمی ملاها در مذاکرات، تقریباً بدون جنجالهای معمول حاضر به دادن آنها شد، می توان برگرفت. وی پذیرفته است، غنی سازی اورانیوم متوقف شود و ساخت، تکمیل و آزمایش دستگاههای سانتریفیوژ، از دستور کار حکومت خارج گردد.

این توافق در صورت پذیرش چارچوبهای اجرایی آن توسط جمهوری اسلامی، موجب خواهد گردید، نشست هفته آینده شورای داوران آژانس، تصمیم گیری قطعی پیرامون پرونده هسته ای ملاها را به اجلاس ماه نوامبر واگذار کرده و به تعیین جبهتی که این تصمیم می بایست گرایش یابد و مکانیزمهای اتخاذ آن، بپردازد. همزمان پی ریزی و تعریف ابزارهای کنترل و نظارتی که وظیفه ی آنها محک زدن میزان پایبندی جمهوری اسلامی به تعهداتش می باشد، از جمله محورهای اصلی مذاکره در نشست آتی خواهد بود.

به نظر می رسد جمهوری اسلامی یک فرجه ی تازه خریده باشد. با این وجود و بانگاه به گنجایش سیاسی وهمچنین تکنولوژیک آن، گمان نمی رود زمان مزبور با اوقات خوشی همراه باشد.

۱۸ شهریور ۸۳